

بررسی و ارزیابی ویژگیهای اجتماعی-اقتصادی و کالبدی سکونتگاههای غیر رسمی (مطالعه موردی کوی سیاحی کلانشهر اهواز)

دکتر زهرا خزایی^۱، دکتر پروانه زیویار^۲

۱- استادیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز

Email: khazaie@iauhvaz.ac.ir

۲- استادیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری

چکیده

رشد جمعیت شهری بسیار سریعتر از جمعیت جهان است. به راستی جدای از رشد جمعیت، شهری شدن اصل مسلط قرن است که پایان یافته است. هر ساله حدود ۳۵ میلیون نفر به جمعیت شهرها و شهرک ها در جهان افزوده می شوند. از اواخر قرن بیستم شهرهای بسیاری به صورت باورنکردنی بزرگ و تبدیل به کلانشهر گشته اند. در کشورهای در حال توسعه به دلیل وابستگی اقتصادی به کشورهای توسعه یافته، نابرابریهای اقتصادی و اجتماعی پدیدار گردید و باعث افزایش نابرابریها و شکاف بین شهر و روستا شد. مهاجرت بنیان کن و شهر نشینی ناهمگون و پیدایش کلان شهرها و مشکلات عدیده ی شهری صورت گرفت. با عمیق تر شدن شکاف بین شهر و روستا، نابسامانی و بی عدالتی های اقتصادی و اجتماعی و مهاجرت شدید روستائیان به شهرها، به ویژه به متروپل ها و کلان شهرها که معلول سیاست های نامتعادل جهانی و داخلی است، حاشیه نشینی، زاغه نشینی، آلونک نشینی، کپرنشینی و به طور کلی اسکان غیررسمی عمدتاً در حاشیه و حتی بخش مرکزی شهرها به وجود آمد. کلان شهر اهواز با داشتن جاذبه های نیرومند اقتصادی، همواره یکی از شهرهای مهاجرپذیر کشورما به شمار می آید که اکثریت این افراد در حاشیه شهر و مناطق با حداقل امکانات جای گرفته اند. در این پژوهش که از روش مطالعه توصیفی-تحلیلی استفاده می گردد سعی بر آن شده است تا تصویر جامع و گسترده ای در مورد مسئله مورد بررسی ارائه شده و هدف اصلی آن بررسی معضل حاشیه نشینی و یافتن علل پیدایش و گسترش این سکونتگاه ها و تاثیر آنها بر توسعه سکونتگاه های شهری در کلان شهر اهواز و ارائه راهکارهای مناسب جهت توانمند سازی و ساماندهی این مناطق می باشد.

واژگان کلیدی: مهاجرت، اسکان غیررسمی، توانمندسازی

مقدمه

حاشیه نشینی، اسکان غیر قانونی، اسکان غیر رسمی در سکونتگاه های خودرو و واژه هایی هستند که امروزه بطور فزاینده ای در ادبیات برنامه ریزی شهری، شهرسازی، جامعه شناسی شهری و دست اندرکاران مسائل شهری بکار می روند. اسکان غیر رسمی یکی از پیامد های زندگی مدرن و شهرنشینی گسترده می باشد که از مهمترین معضلات کلان شهرها بشمار می آید. که علاوه بر اثر گذاری منفی در توسعه کالبدی شهرها و برهم ریختن سیمای کالبدی آنها، پیامدهای اقتصادی-اجتماعی و سیاسی به همراه داشته است. چنانکه جهان در چند دهه اخیر همچنان رشد شتابان شهری شدن را طی کرد و در اوائل سده بیستم جمعیت شهری به بیش از ۶۰ درصد کل جمعیت جهان رسید. شهرنشینی علی رغم دستاوردهای بزرگ برای بشر با خود مشکلاتی را نیز به همراه داشته که با وجود پیشرفت های عظیم علمی و تکنیکی حل بسیاری از این

مشکلات با ناکامی همراه بوده است. این امر به ویژه در کشورهای در حال توسعه با در هم آمیختن جنبه های اقتصادی، اجتماعی و کالبدی در شرایط جهانی شدن و شهر و شهرنشینی، به کلاف سردرگمی بدل شده که بافزونی دامنه شهرنشینی هر دم بر چند و چون آن نیز افزوده می شود. در این میان مشکل فقر شهری و سکونتگاه های فقیر نشین به مثابه یکی از مسائل عمده بر آمده از این شرایط همواره گریبان گیر حکومت های ملی و محلی و مدیریت شهری بوده است. بررسی منابع گوناگون حاکی از آن است که تعداد بیشماری از ساکنین شهرها، خصوصاً شهرهای بزرگ در کشورهای در حال رشد (جهان سوم) در سکونتگاه های خود روزندگی می کنند. بنابر گزارش مرکز اسکان بشر سازمان ملل متحد که در اکتبر سال ۲۰۰۳ میلادی انتشار یافته، اکنون تقریباً یک میلیارد نفر، یعنی از هر شش انسان یک نفر، حاشیه نشین است. بنابراین با توجه به رشد بی سابقه شهرنشینی در مقابل فقر روز افزون و نابرابری اجتماعی در کشورهای مزبور، پیش بینی شده که این رقم در سال ۲۰۳۰ میلادی به دو میلیارد تن خواهد رسید.

شهر نشینی شتابان و پیامدهای حاصل از آن

با آغاز قرن ۲۱ جمعیت جهان به بیشترین مقدار خود رسید و همزمان با آن میزان شهر نشینی نیز افزایش یافت. به طوری که در سال ۲۰۰۷ جمعیت شهرهای جهان برای اولین بار در تاریخ بشر به بالای ۵۰ درصد رسید. البته این روند در کشورهای در حال توسعه متفاوت از کشورهای توسعه یافته اتفاق افتاد. به طوری که نزدیک به ۹۰ درصد جمعیت شهری جهان در شهرهای کشورهای در حال توسعه زندگی می کنند. در این میان شهرهای آسیا و آفریقا با میزان رشد ۲/۴ بیشترین رشد را تجربه کرده اند (un-habitat, 2003, p, ۲۵). پس از جنگ جهانی دوم کشورهای در حال توسعه با تقلید و الگوبرداری از کشورهای اروپایی شهری شدن آرام گذشته را کنار گذاشته و روند توسعه شتابان را آغاز نمودند. که این توسعه بر حذف سنت های جامعه، ورود عناصر نو از خارج و تکیه بر فن آوری کشورهای توسعه یافته مبتنی بود. اضمحلال در دوره استعمار به دلیل غارت و تحمیل اقتصاد تک محصولی و مصرفی به شهرها و شروع توسعه برون زا در این کشورها بوده است. در دوران معاصر سرمایه داری پس از ادغام و ورود به اقتصاد این کشورها به تمرکز شدید صنایع و جمعیت در چند شهر بزرگ و یا یک شهر (پایتخت) را منجر شده و با عدم توسعه بخش کشاورزی و نارسایی های موجود در بخش صنعتی و احیاناً شکست سیاست صنعتی شدن که در بسیاری از کشورهای جنوب به وقوع پیوست باعث به هم ریختن روابط متقابل و متعادل شهر و روستا شده و بستر لازم را برای تشدید فعالیت های خدماتی فراهم آورد که با گسترش این فعالیت ها از یک سو و تشدید مهاجرت روستائیان به شهرها از سوی دیگر رشد سریع شهرنشینی را موجب گردید (بیگدلی، ۱۳۸۳).

مطالعه شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه نشان می دهد که در گذر نیم قرن اخیر جمعیت کشورهای در حال توسعه از حدود ۳۰۰ هزار نفر (۱۷ درصد کل جمعیت دنیا در سال ۱۹۵۰) به حدود دو میلیارد نفر (۴۰ درصد در سال ۲۰۰۰) رسیده است و قریب به ۹۰ درصد رشد جمعیت شهری جهان در طول دهه گذشته در کشورهای در حال توسعه رخ داده است (صرافی، ۱۳۸۱). گیلبرت و گا لگر انباشتگی شهری و نابرابری های منطقه ای، شکاف شهری - روستائی و مهاجرت انبوه و به تبع آن بزرگ سازی شهری، بیکاری و اشتغال کاذب و ناقص و شکل گیری اقتصاد غیر رسمی و معضل مسکن و فقر شهری را از جمله پیامدهای شهرنشینی در جهان سوم قلمداد می کنند. لارسن و

وارول کمبود خدمات عمومی، مسکن نامناسب و ناکافی پراکنده رویی و توسعه آلونکی، فقر شهری و بحران بهداشت را از جمله نتایج شهر نشینی شتابان ذکر می کنند (برک پور- اسدی، ۱۳۸۸). بارزترین پیامدهای این وضعیت نابسامان شکل گیری اسکان غیررسمی و یا حاشیه نشینی در کشورهای در حال توسعه می باشد (داداش پور- علیزاده، ۱۳۹۰). نخستین علت وقوع آن در سطح کلان را باید ساختاری دانست که ساز و کار تبعیض آمیز و فقرزا بر پایه توزیع غیر عادلانه منابع قدرت، ثروت و درآمد ایجاد می نماید (صرافی، ۱۳۸۱).

تاریخچه حاشیه نشینی در جهان

بعد از انقلاب صنعتی همزمان با توسعه شهرهای انگلستان و سپس سایر شهرهای اروپایی حاشیه نشینی و زاغه نشینی فزونی گرفت. این روند در آمریکا با مهاجرت‌های فزاینده اروپاییان از ممالکی نظیر: انگلیس، ایتالیا، آلمان، مجارستان و ایرلند به این کشورها همراه بوده. اجرای برنامه های نو استعماری در کشورهای جهان سوم تحت عنوان برنامه های توسعه، در راستای شکست ساختار اجتماعی و اقتصادی سنتی این گونه کشورها عمل کرده و به همراه خود پدیده ی شوم حاشیه نشینی را به ارمغان آورد. کشورهای جهان سوم به دلیل تحت سلطه قرار گرفتن و عدم توانایی در غارت دیگر ملل، قادر به کنترل ابعاد رو به افزایش این پدیده نبوده و تعداد زاغه نشینان این کشورها به طور روز افزونی، افزایش می یابد به طوریکه امروزه وجود حاشیه نشینان در اطراف شهرهای بزرگ مانند: کلکته پدیده ای عادی به نظر می رسد، حدود ۳۰٪ از افراد ساکن در شهرهای بزرگ در پایتخت های کشورهای جهان سوم به طور زاغه نشینی زندگی می کنند. برای میلیونها فقیر ساکن در کشورهای در حال توسعه، مناطق شهری همواره وسیله ای برای بهبود کیفیت زندگی و محیط می باشد. این موضوع همراه با بدتر شدن شرایط زندگی در مناطق روستایی، جریان قابل ملاحظه ای از مهاجرت از روستا به شهر را به ویژه در سه دهه گذشته به وجود آورده است. مسائل و مشکلاتی که مهاجران شهری با آن روبه رو هستند، در زمانها و شرایط مختلف متفاوت است. ولی اولین و پیچیده ترین مشکلی که از بدو ورود به شهر و تا مدت زمان طولانی با آن مواجه هستند، دسترسی به مسکن مناسب می باشد. تا قبل از دهه ۱۹۶۰ سرمایه گذاریهای دولتی در بخش مسکن از اهمیت زیادی برخوردار نبوده و غیر اقتصادی تلقی می شد. اغلب سرمایه گذاریهای دولتی در دیگر بخشهای اقتصادی و اجتماعی متمرکز گردیده و انتظار می رفت مسأله مسکن اقشار فقیر شهری به خودی خود و با بهبود وضعیت همه و از طریق بازار حل گردد (هادیزاده، ۱۳۸۲).

ویژگیهای عمومی اسکان غیر رسمی

اسکان های غیررسمی در جهان از پیشینه ی طولانی برخوردارند که از زمان شکل گیری تا کنون با عناوین متعددی چون: حاشیه نشینی، سکونتگاههای خودرو و نابسامان، اجتماعات آلونکی، اسکان نابهنجار و خود انگیخته نامیده می شوند (داداش پور- علیزاده، ۱۳۹۰). سکونت در اسکان های غیررسمی باعث می شود که فقرا جای پای در نردبان امنیت و ترقی اقتصادی شهر بیابند و آهسته اما با امنیت خاطر از این نردبان اقتصادی بالا بروند. با این حال سکونت در محلات فقیر شهری علاوه بر مزیت های اندک دارای مشکلات بسیاری نیز می باشد. اقامت در محله های فقیرنشین نه تنها به مفهوم برخورداری از مسکن فقیرانه است، بلکه به مثابه قرار گرفتن در چرخه فقر و در معرض

خطرات محیطی و آسیب های مختلفی است که شرایط فقرا را به مراتب وخیم تر می کند (خزایی، ۱۳۹۰). و دارای ویژگیهای خاص خود می باشند که عبارتند از:

۱- ویژگیهای اقتصادی و اشتغال

در کنار سه شیوه ی زندگی شهرنشینی، روستانشینی، زندگی ایلاتی و عشایری نوعی زندگی متفاوت وجود دارد که ویژگیهای اقتصادی، اجتماعی مخصوص به خود و بافت فیزیکی معینی دارد که به آن حاشیه نشینی گفته می شود. حاشیه نشین به مفهوم کلی اقتصادی، به کسی اطلاق می شود که در شهر سکونت داشته ولی به علل گوناگون نتوانسته است جذب نظام اقتصادی شهر شود و از خدمات شهری بهره مند گردد (شکویی، ۱۳۸۵). بخش غیررسمی با مشخصاتی چون امکان ورود آسان، اتکاء بر شرایط بومی و محلی، اتکاء بر دارایی خانوار، فعالیت کوچک مقیاس کاربر و متکی به فن آوری سنتی و محلی و نیز مهارت غیررسمی، بازار نامنظم و به ویژه فقدان مجوز تعرفه مالیات قابل تعریف است. آنگاه سکونتگاه بی ضابطه را انتخاب کرده اند تا هزینه سرپناه را به حداقل رسانده و در مقابل، ارزشهای بالاتری چون شیوه زندگی و سایر اشکال سرمایه گذاری را بدست آورند (شیخی، ۱۳۸۰). یکنواختی و فقدان تنوع اقتصادی ساکنین سکونتگاههای خودرو که خود محصول جدایی گزینی های فضایی اقشار و گروههای اجتماعی و تمرکز کم درآمدها در قلمرو و مجموعه سکونتی مجزا است. از یک طرف موجب کاهش تماس های بین طبقاتی شده و از سوی دیگر مانع مهمی بر سر راه نفوذ عناصر و نهادهای مدنی در اینگونه سکونتگاه ها گشته است (حبیبی، ۱۳۸۰). حاشیه نشین به معنای اعم شامل تمام کسانی است که در محدوده اقتصادی شهر ساکن هستند ولی جذب اقتصاد شهر نشده اند. این افراد از زادگاه خویش کنده و به سوی قطب های بازارهای کار کشیده شده و اکثراً "مهاجران روستایی هستند که به منظور گذران بهتر زندگی، راهی شهرها شده اند (زاهدانی، ۱۳۶۳). "انسان حاشیه ای" مربوط به تحولات صنعتی، رشد تکنولوژی است و مفهومی است بر گرفته از کارگران حاشیه ای که در حاشیه ی اقتصاد سرمایه داری به مشاغل نازل روی می آورند. این مشاغل نه با ثبات شغلی همراه هستند و نه با دستمزد معین و مرتب، انسان حاشیه ای از نظر اقتصادی دارای خصایص زیر است:

۱- بیکار یا بیکار پنهان ۲- فاقد درآمد ثابت ۳- معمولاً از گروه پائین درآمد شهری است (پیران، ۱۳۶۸)

۲- ویژگیهای فرهنگی-اجتماعی

توسعه های غیررسمی و اشکال متفاوت آنها قبل از هر چیزی به مشخصات و ویژگی های فرهنگی باز می گردد. یعنی عوامل و شیوه های فرهنگی متفاوتی که بر نحوه شکل گیری سکونتگاههای غیررسمی مؤثر است. عواملی چون نظام مالکیت، سازمان یافتگی اجتماعی، هنجارهای قانونی، مذهب، نظام خویشاوندی، روابط قومی و نژادی و خلاصه نظام گسترده ای از ارزشها و هنجارهای حاکم بر روابط فردی و جمعی در درون اجتماع و نیز در ارتباط با دولت بر آن مؤثر است. بر این مبنا تفاوت های رفتاری سکونتگاههای بی ضابطه نمودی از مجموعه پیچیده روابطی است که الگوی رفتاری خاصی را تعیین می کند که توسط آنها جوامع، زندگی اجتماعی خود را باز میابند (شیخی، ۱۳۸۰). از نظر فرهنگی و اجتماعی الگوی مشترکی بر روابط آلونک نشینان حاکم بوده و منافع مشترک، ساکنین اینگونه سکونتگاهها را به یکدیگر پیوند می دهد. این افراد تجانس گروهی و همبستگی بالایی خاصه در

مواجه با مسائل مشترک خارج از اجتماع، از خود بروز می دهند و از لحاظ اجتماعی یکدیگر را به خوبی کنترل می کنند (پیران، ۱۳۸۰). از نظر فرهنگی باید گفت که حاشیه نشینان دارای منشأ فرهنگی روستایی هستند. آنها فقط افراد آشنا را به جمع خود راه می دهند. همچنین دارای همبستگی و تجانس بسیار عمیقی در منافع مشترک مانند مسکن هستند و در اینگونه موارد متحد و سازمان یافته عمل می کنند (پیران، ۱۳۶۵).

۳- ویژگیهای فضایی-کالبدی

خانه سازی غیررسمی یکی از اصطلاحاتی است که به عرضه غیررسمی زمین و مسکن گفته می شود و منظور این است که به همه انواع آلودگی ناشینی، رشد خودرو، حاشیه نشینی و مانند آنها اطلاق می شود (جوهری پور، ۱۳۷۳). مناطق حاشیه نشین در کشورهای جهان سوم با واحدهای مسکونی رو به ویرانی و فرسوده با تجهیزات ناقص در حاشیه شهرها، تسلط فرهنگ فقر، جدایی گزینی توده ای مردم روستایی از جامعه شهری، شهرک های چسبیده به شهرها مواد و مصالح کم دوام ساختمانی و... توصیف می شوند (شکویی، ۱۳۸۵). حاشیه نشینی به نوعی اسکان گفته می شود که افرادی بدون اجازه و یا پرداخت اجاره بها مکان هایی را اشغال کرده و آن را پناهگاه خویش قرار داده اند. این تعریف فقط به جنبه های فیزیکی حاشیه نشینی پرداخته و تصرف عدوانی را لازمه حاشیه نشینی دانسته است (محمودی، ۱۳۸۸). حاشیه نشینی مترادف با زاغه نشینی است و نوع مسکن حاشیه نشینان را بیان می دارد که در این مناطق در هر اتاق سه نفر یا بیشتر زندگی می کنند و مهمترین ویژگی آنها نوع ساختمان و بافت فیزیکی آنهاست که به صورت زاغه، آلودگی، کپر، زیر زمین، چادر و اتاق حلبی معروف هستند و فاقد ابتدایی ترین وسایل بهداشتی، خدماتی و فرهنگی هستند (شکویی-کاظمی، ۱۳۸۴).



شکل ۲: نقشه مقعیت قرار گیری شهرستان
اهواز بر گستره استان خوزستان
منبع: دفتر اجرایی بافت فرسوده
اهواز ۱۳۸۵

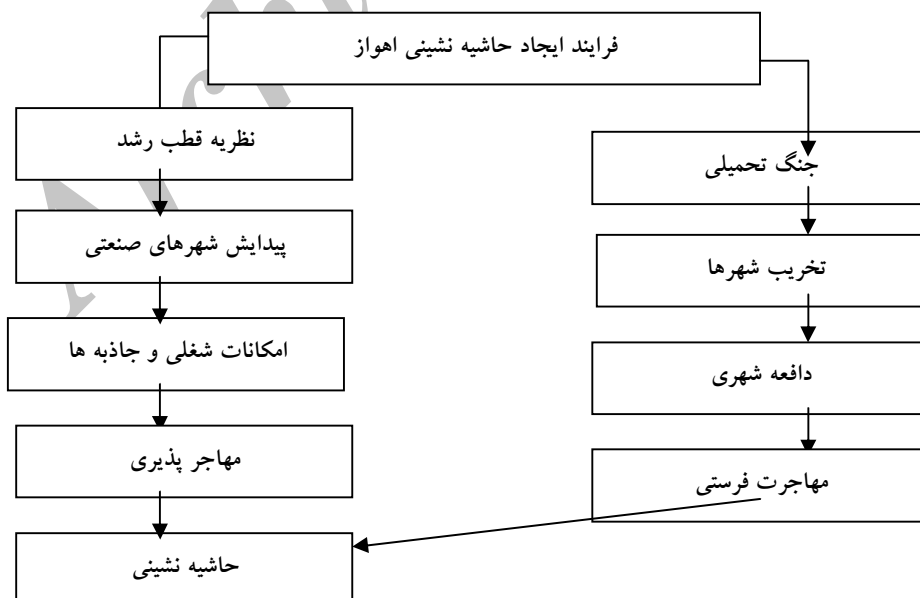


شکل ۱: نقشه موقعیت قرارگیری استان
خوزستان بر گستره ایران
منبع: دفتر اجرایی بافت فرسوده اهواز ۱۳۸۵

تاریخچه حاشیه نشینی در اهواز

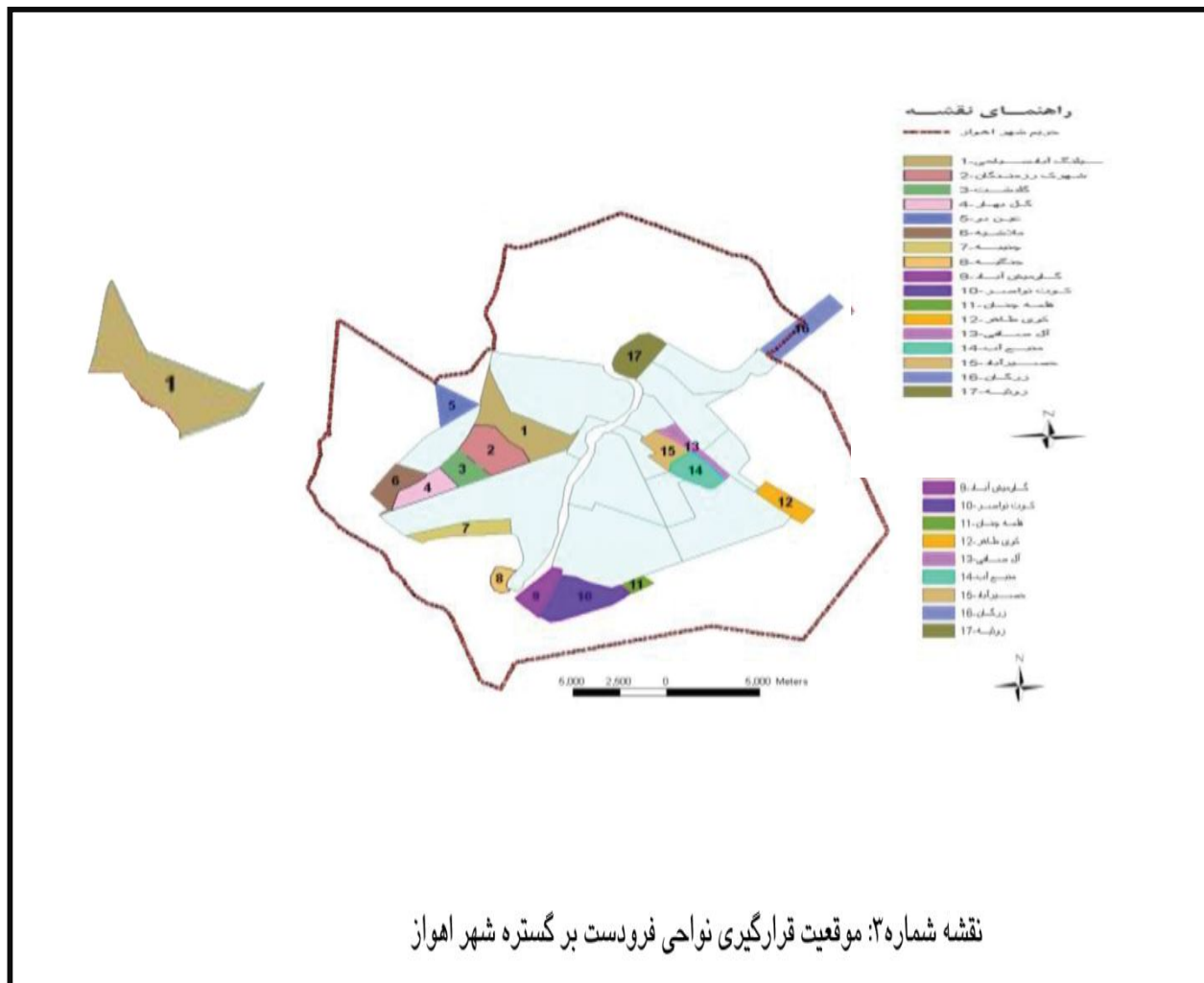
در شهر اهواز مسئله حاشیه نشینی تابعی از روند حاشیه نشینی کل کشور می باشد. طبق تحقیقی که برای اولین بار در سال ۱۳۵۲ توسط محققین موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران در مورد حاشیه نشینی در شهر

اهواز انجام گرفت، مشخص گردید که آغاز حاشیه نشینی به دهه های قبل از ۱۳۲۰ بر می گردد ولی در این دوره رشد کنونی را نداشته است. لیکن در دهه ی ۱۳۳۰ بر ابعاد این مسئله افزوده شد تا اینکه در دهه ی ۱۳۴۰ و متعاقب اصلاحات ارضی و سیر مهاجرین روستایی بی زمین و کم زمین، حاشیه نشینی رشد شتابان به خود گرفت (نیرومند- کازرونی، ۱۳۷۳). شهر اهواز تا قبل از دهه ۱۳۴۰ مجموعه نیمه ارگانیکی با یک هسته مرکزی در قسمت شرقی رودخانه کارون (به عنوان ستون فقرات) و تعدادی تاسیسات نظامی و ایستگاه راه آهن و مسکن وابسته به آن بود. در واقع بخش اصلی شهر هنوز پوسته تاریخی خود را باز نکرده بود و در حصار قدیمی خود به حیات خویش ادامه می داد. به علاوه تا آن زمان اهواز در شبکه شهری استان بعنوان یک شهر همکار با سایر شهرها عمل می کرد. اما پس از انتخاب این شهر به عنوان یک شهر صنعتی توأم با مرکزیت اداری سیاسی و متعاقب آن وقوع جنگ تحمیلی که موجب تخریب شهرهای ممتاز دیگر گردید، به یک شهر بی رقیب تبدیل شد. بنابراین انسجام شهری از هم گسیخته شد و شهر به صورت ناهمگون و غیر منطقی رشد و گسترش پیدا کرد. در طی سه دهه ۷۵-۱۳۴۵ جمعیت این شهر از ۱۲۰۰۹۸ نفر به بیش از ۸۰۰ هزار نفر رسید و مساحت آن نیز از ۲۵۰۰ هکتار به ۲۰۶۱۵ هکتار افزایش یافت. مهاجرت عظیمی از مهاجران جنگ تحمیلی علاوه بر مهاجران قدیمی جویای کار از یک سو، و عدم نظارت بر توسعه فیزیکی از سوی دیگر، باعث توسعه ناموزون آن و شکل گیری مناطق حاشیه ای و زاغه نشین در سراسر شهر گردید، به طوری که هم اکنون در تمام قسمت های شهر و به ویژه در بخش غربی آن، حاشیه نشینی به شکل چشمگیر ملاحظه می گردد. این مناطق حاشیه نشین که در آن سوی مرزهای اداری شهر واقع شده اند و حوزه پروسیتی را شکل داده اند از کمترین امکانات زیستی برخوردار هستند و هیچ تلاش دلسوزانه ای برای ارتقاء وضعیت اجتماعی- کالبدی آنها صورت نمی پذیرد (قرخلو- شریفی، ۱۳۸۲).



شکل ۳: نمودار فرایند حاشیه نشینی در اهواز

منبع: قرخلو-شریفی، ۱۳۸۲



منبع: نگارندگان

پهنه بندی محلات فرودست شهر اهواز

- سکونتگاه های غیر رسمی شمال شرق شامل: سکونتگاه های زرگان، زویه
- سکونتگاه های غیر رسمی شرق شهر شامل: حصیرآباد، منبع آب، آل صافی و کوی طاهر
- سکونتگاه های غیر رسمی جنوب شهر شامل: کوت عبدالله، کانتکس، قلعه چنان، جنگیه و چنیبه
- سکونتگاه های غیر رسمی جنوب غربی شهر شامل: ملاشیه، گلدشت و گلپهار، کریشان و شهرک رزمندگان
- سکونتگاه های غیر رسمی غرب شهر شامل: شلنگ آباد- سیاحی و عین دو (دفتر اجرائی بافت فرسوده شهر اهواز)

موقعیت جغرافیایی کوی سیاحی

محل کوی سیاحی در غرب شهر اهواز قرار دارد و از لحاظ موقعیت ریاضی در ۳۱ درجه و ۱۹ دقیقه تا ۴۸ درجه و ۲۷ دقیقه قرار دارد. محل فولی آباد در شمال، محل ملاشیه در جنوب، در شرق سلیم آباد و در غرب آن نیز دهستان عین دو قرار دارند (www.googleearth.com).

تاریخچه شکل گیری کوی سیاحی

زمان شکل گیری ناحیه سیاحی به سال های ۶۰ و ۶۱ بر می گردد و عامل عمده شکل گیری این محل جنگ تحمیلی می باشد. این ناحیه قبلاً زمین زراعی بوده و شخصی بنام سیاحی در آن قسمت کارخانه موزاییک سازی داشته است (مسکن و شهرسازی خوزستان ۱۳۸۴). بدلیل قرار گیری زمین های این محل در مسیر جاده اهواز - سوسنگرد اولین ساکنان این محل مهاجرین شهرهای سوسنگرد، هویزه و روستاهای اطراف بوده و جنگ تحمیلی از دلایل اصلی مهاجرت آنها بوده است. و در ادامه نیز مهاجرین عراقی در این محل ساکن شدند:

۱- ویژگیهای اقتصادی

میزان بیکاری و پایین بودن سطح درآمد یکی از مهمترین شاخص های اقتصادی مناطق حاشیه نشین بوده و از دلایل اصلی این پدیده روی آوردن مهاجران به شهرهای بزرگ به منظور کسب اشتغال و درآمد بیشتر می باشد. اکثر پاسخگویان، علت مهاجرت خود را جنگ تحمیلی، بیکاری، و پیدا کردن شغل مناسب ادامه تحصیل، اختلافات فامیلی و نزدیکی به خویشاوندان ذکر نموده و علت شاخص سکونت، ارزانی زمین و مسکن، نزدیکی به زادگاه و محل کار ذکر کرده اند و اکثریت خانوارها دارای درآمد ماهیانه در حدود ۳۰۰ تا ۳۵۰ هزار تومان می باشند. در سالهای اخیر با بهبود وضعیت نسبی این منطقه از لحاظ اقتصادی، کاربری های تجاری مانند: سوپر مارکت، کارگاه های درب و پنجره سازی، مراکز فروش محصولات کشاورزی و علوفه های دامی، مرکز فروش ماشین آلات کشاورزی و مرکز شالیکوبی برنج و .. ایجاد گردیده که باعث بهبود وضعیت اشتغال در این منطقه شده و سیمای منطقه را نیز تحت تأثیر قرار داده است. با توجه به ساختار اجتماعی چنین محله هایی میزان درآمد خانوارهای ساکن گاهی کمتر از میزان درآمد تعیین شده برای خط فقر می باشد. کارگاههای صنایع سبک در منطقه که شامل کارگاه های برنج کوبی هستند مساحتی بالغ بر ۴۶۷۰ متر مربع را شامل می شود که سرانه وضع موجود آن ۴/۲۵ متر مربع است (مطالعات میدانی ۱۳۹۱).



شکل ۵ و ۶: اشتغال در کوی سیاحی
منبع: نگارندگان

۲- ویژگیهای اجتماعی و جمعیت

جمعیت ساکن در کوی سیاحی ۱۰۵۰۰ نفر و متوسط بعد خانوار ۵/۸ نفر می باشد، این محله دارای خانوارهای نسبتاً پرجمعیتی است. این موضوع زمانی اهمیت می یابد که مشخص می گردد تقریباً اکثریت خانوارهای ساکن بصورت هسته ای و متمرکز زندگی می کنند و خود بیانگر این واقعیت است که افراد ساکن در این محله هنوز ویژگی های اجتماعی - اقتصادی مناطق روستایی را در خود حفظ نموده اند. با توجه به میزان جمعیت که در وسعتی معادل ۱۱۶۱۸۰۰ متر مربع پراکنده و توزیع شده اند. تراکم ناخالص در این محله معادل ۹۰/۵ نفر در هرهکتار می باشد. در این منطقه به ازای هر ۱۰۰ زن ۱۰۹ مرد وجود داشته و نژاد مردم این منطقه اکثراً "سامی"، همگی از قوم عرب و از طایفه های گوناگونی می باشند. که از نظر فرهنگی در سطح پایینی قرار گرفته اند به طوری که برنامه های تنظیم خانواده در این منطقه به خوبی انجام نگردیده است. از نظر سواد نیز در سالهای اخیر با توجه به برگزاری کلاسهای نهضت سواد آموزی، تعدادی از ساکنین این گونه اقدامات را عامل اصلی افزایش سطح فرهنگی منطقه نسبت به سال های گذشته عنوان می نمایند. با وجود کمبود امکانات رفاهی و فرهنگی اکثریت پاسخگویان (۸۰ درصد) مایل به ترک محل نیستند و دلیل آنرا کمی درآمد و پایین بودن قیمت مسکن و اجاره خانه و (۲۰ درصد) خانوارهایی تمایل خود را به ترک محل اعلام نموده اند. مردم در این منطقه از آداب و سنن خودشان پیروی می کنند و در مراسم هایی همچون: ازدواج، طلاق، مراسم سوگواری، حل و فصل دعاوی دارای رسوم خاص خود هستند، شیوه زندگی در این منطقه محسوس و اغلب مسائل به صورت طایفه ای انجام پذیرفته و هر طایفه دارای یک شیخ می باشد (مطالعات میدانی ۱۳۹۱).

۳- ویژگیهای فضایی-کالبدی

مساحت کوی سیاحی ۱۱۶۱۸۰۰ مترمربع است. که در این مساحت کاربری های مسکونی، آموزشی، مذهبی، کارگاهی و... تقسیم شده است. بافت کوی سیاحی تنوع خاصی ندارد بطوری که اراضی پست و هموار، کوچه های باریک، تعداد زیاد کوچه های بن بست، وجود موانعی همچون کارخانجات برنجکوبی، انبارها و کارگاههای بلوک زنی مانع توسعه این محله شده اند. در رابطه با کاربریهای مسکونی که از کاربری های مهم در هر منطقه است می توان اینگونه عنوان نمود، در این منطقه تعداد ۱۴۲۰ واحد که دارای مساحتی بالغ بر ۲۷۵۸۴۲ متر مربع می باشند وجود دارد. در حال حاضر با توجه به جمعیت ۱۰۵۰۰ نفری، دارای سرانه ای حدود ۲۶/۲ متر مربع برای هر نفر بوده و سرانه مسکونی استاندارد شهر ۴۰ متر مربع بر آورد شده است. همچنین زمین هایی که با توجه به مطالعات انجام پذیرفته دارای کاربری مسکونی بوده و در حال حاضر ساخته نشده اند مساحتی بالغ بر ۶۵۱۲۵ متر مربع را دارا می باشند. بیش از نیمی از ساکنان با سند عادی یا قولنامه ای و بقیه نیز به صورت اجاره ای یا تصرفی و غصبی، مالک محل سکونت خود هستند، تقریباً ۱۳ درصد ساکنان فقط سند رسمی دارند. بیش از یک سوم واحدهای مسکونی (۳۲ درصد) دارای زیر بنائی بین ۱۵۰ تا ۳۰۰ متر می باشند. اکثر واحدهای مسکونی فاقد تأسیسات استاندارد می باشند. حدود نیمی از معابر غیر آسفalte بوده و معابر آسفalte نیز کیفیت نامناسبی دارند، این منطقه فاقد سیستم فاضلاب بوده و دفع فاضلاب به صورت جوی های روباز می باشد که در اکثر مواقع به خصوص زمستان به سطح معابر و خیابان ها جاری شده و بوی تعفن فضای منطقه را در بر می گیرد و تمامی ساکنین از این وضعیت ابراز نارضایتی می کنند. مصالح به کار رفته در خانه ها اکثراً "بلوک، آجر و آهن بوده و از نظر کیفیت ابنیه، ۳۹ درصد قابل قبول، ۳۲ درصد نوساز، ۱۴ درصد مرمتی، ۱۵ درصد تخریبی می باشند. کاربری بهداشتی - درمانی در محله وجود ندارد و ساکنان محله برای برطرف نمودن نیازهای بهداشتی-درمانی خود به محلات همجوار مراجعه می کنند. سرانه استاندارد بهداشتی-درمانی ۱/۱ می باشد (مطالعات میدانی ۱۳۹۱).



شکل ۸: نحوه دفع فاضلاب در منطقه
منبع: نگارندگان



شکل ۷: نوع مصالح ساختمانی بکار رفته در منطقه
منبع: نگارندگان

جمع بندی و نتیجه گیری

نگاهی به تجارب جهانی در ساماندهی اسکان غیر رسمی نشان می دهد که تا پیش از دهه ۶۰ میلادی، سرمایه گذاری دولتی در بخش مسکن اقشار آسیب پذیر غالباً ضروری تشخیص داده نمی شود و لیکن نیاز فزاینده به حل مشکل مسکن این قشر، موجب توجه ویژه به آن در قالب سیاست هایی همانند: خانه سازی اجتماعی، روش زمین و خدمات، توانمندسازی در سطح کشورهای جنوب منجمله ایران شد. در برخورد با پدیده اسکان غیر رسمی در ایران، شیوه های برخورد مستقیمی با هدف ساماندهی این سکونتگاهها در مکان فعلی وجود نداشته، بلکه عمدتاً تامین مسکن کم درآمدها بوده که مشخصاً اسکان غیر رسمی را در بر نمی گیرد. علیرغم وجود چنین برنامه هایی در ارتباط با مسأله اسکان غیر رسمی در قبل از انقلاب، از میان شیوه های مختلف برخورد با این مسأله، راهکارهای قهرآمیز و تخریبی و سیاست های نادیده انگاری در پیش گرفته شده بود، اخیراً در سطح جهان و ایران سیاست هایی در قالب ساماندهی سکونتگاههای موجود در مکان فعلی مطرح بوده، به طوری که به تبعیت از گرایش های موجود در جهان، در ایران نیز اخیراً رویکرد اصلی مواجهه با مسئله اسکان غیر رسمی از طریق سیاست هایی چون توانمندسازی، بهسازی محلات با ابزارهایی همانند خودیاری اهالی و اعتبارات دولتی و تسهیلات بانکی مورد تأکید قرار گرفته است. از آنجا که اسکان غیر رسمی نهایتاً مسئله ای محلی به شمار می رود، شهرداری به عنوان نهادی غیر دولتی و عالی ترین و عمده ترین مرجع مدیریت شهری، اصلی ترین نقش را در روند توانمندسازی خواهد داشت. از اینرو شهرداریها باید با ابتکاراتی متفاوت از گذشته برای بکارگیری بهینه مشارکت و منابع درونی این اجتماعات اقدام کنند. این سکونت گاه ها محصول فقرند و فقر یک محصول طبیعی نبوده، بلکه محصول ساختار قدرت و نظام اجتماعی موجود است. با توجه به اینکه در حال حاضر روستاها توانایی نگهداری ساکنین خود، و ایجاد شغل و تامین معیشت آنها را نداشته لذا ساکنان عمدتاً کم سواد و بدون مهارت شغلی روستاها راهی شهرها

می شوند. این در حالیست که اقتصاد بیمار تنها روستاها را دچار مشکل نکرده و شهرها نیز به نوعی دیگر و شاید حادثتر با این مشکلات دست به گریبانند. لذا با مهاجرت روستاییان، بر مشکلات شهرها افزوده شده و باعث رانش افراد فقیر از درون شهرها به پسرکانه ها می شود. بزرگترین مشکل مهاجرین، مسکن و شغل است. در زمینه مسکن، با ایجاد سکونت گاه های غیر رسمی و در زمینه شغل نیز با پرداختن به مشاغل کاذب و یا فعالیت در زمینه قاچاق، سرقت و سایر فعالیت های مجرمانه به سازگاری با محیط می پردازند. سکونت گاه های غیر رسمی در درون خود به باز تولید خود و آسیب های اجتماعی می پردازند. در نتیجه مانند یک سیاهچاله پیرامون خود را نیز آلوده نموده و به درون خود می کشند. شاید بهترین مثال در مورد رابطه سکونت گاه غیر رسمی و شهر، رابطه خانواده با فرزند ناخلف باشد که در صورت طرد و راندن، بیشتر دچار معضل می شود. محله کوی سیاحی در غرب شهر اهواز قرار داشته، نبود عوارض طبیعی مانند تپه و کوه در منطقه، آن را بصورت سطحی با شیب ملایم درآورده است. و این مسئله سبب جاری شدن آب فاضلاب از جوی های سطحی و روباز در سر تا سر محله در دوره های بارندگی می باشد. تعداد جمعیت ساکن در این منطقه ۱۰۵۰۰ نفر و متوسط بعد خانوار ۵/۸ نفر می باشد، تعداد دختران در گروه سنی کودکان بین ۴-۰ ساله بیشتر از تعداد پسران در این گروه سنی و همچنین تعداد زنان در گروه سنی میانسال بیشتر از مردان می باشد این موضوع خود بیانگر نوع تغذیه و استفاده از منابع غذایی نامناسب بوده که تأثیر مستقیم بر نوع جنسیت کودکان گذاشته و حاکمیت ویژگیهای فرهنگی - اجتماعی روستایی نیز بر میزان زاد و ولد مؤثر بوده است. از نظر سطح سواد، تعداد دختران و زنان بی سواد بیشتر از مردان بوده که خود گویای فرهنگ روستایی و ارزش بالای پسران در میان آنها می باشد. میزان درآمد در این محله از حداقل ۱۰۰ هزار تومان تا حداکثر ۷۰۰ هزار تومان بوده و بیانگر سطح در آمدی پائین تراز خط فقر میباشد. ساکنین این منطقه اکثریتشان مهاجرین روستاها، شهرها و مناطق مختلف استان خوزستان و شهر اهواز و همچنین رانده شدگان کشور عراق می باشند و عواملی همچون جنگ تحمیلی، ارزانی قیمت زمین و مسکن، اشتغال، بسترهای مناسب تحصیل و اختلافات خانوادگی، نزدیکی به خویشاوندان و محل کار از دلایل عمده مهاجرت این افراد و سکونت آنها در این منطقه عنوان گردیده. امکانات آموزشی موجود در محله بسیار اندک و شامل یک مرکز آموزشی برای دختران در مقاطع دبستان، راهنمایی و دبیرستان و یک مرکز آموزشی پسرانه برای مقاطع دبستان و راهنمایی می باشد و با توجه به جمعیت در حال تحصیل دارای کلاسهای آموزشی پرتراکم می باشد. امکانات بهداشتی - درمانی در منطقه مشاهده نشده و ساکنین از این نظر وابسته به محلات مجاور می باشند. مراکز اجتماعات فرهنگی - تفریحی در محله موجود نمی باشد و مردم برای این منظور تنها می توانند از اماکن مذهبی یا منازل خویش استفاده نمایند. هیچگونه مرکز تفریحی و فضای بازی در منطقه وجود نداشته و فضای باز و آلوده اطراف واحدهای مسکونی مورد استفاده کودکان قرار می گیرد. کیفیت مصالح بکار رفته در بناها بر اساس شاخص های موجود بسیار پائین و از مواد و مصالح فرسوده با مقاومت ناچیز، مستعمل و معمولاً "آجرهای خشتی و بلوک استفاده می شود که شرایط طاقت فرسایی را به هنگام فصل گرما و تابستان برای ساکنین فراهم می آورد.

پیشنهادات و راهکارها

افزایش جمعیت شهری، مشکلات متعددی را به وجود آورده است که از آن جمله می‌توان به تغییر کاربری اراضی کشاورزی، کاهش منابع آبهای زیر زمینی و سرمایه گذاریهای سنگین برای خدمات زیربنایی شهرها اشاره نمود. رشد جمعیت شهری که عمده این رشد به دلیل مهاجرت از روستا به شهر بوده، یکی از تحولات مهم در شهرهای ایران می‌باشد. مسلماً افزایش جمعیت شهری اثر مستقیم بر شکل، روابط و فعالیت‌های مناطق و تأثیرات مهمی در نحوه فعالیت و معیشت مردم خصوصاً شهروندان و تازه شهرنشینان خواهد داشت. از جمله واقعیت‌های انکارناپذیر می‌توان به پایین بودن میزان سطح سواد و مهارت‌های شغلی و همچنین بالا بودن میزان ناهنجاریهای اجتماعی تأکید نمود.

با نگاه اجمالی می‌توان دریافت که مراکز اسکان غیر رسمی به لحاظ عدم برخورداری از تأسیسات رفاهی و خدمات شهری در شرایط نامطلوبی بسر برده و این مهم سبب گردیده که حاشیه و پیرامون شهرها به عنوان مراکز آلوده و مستعد انواع بیماریها و مناطق آلوده از نظر خاک، آب و محیط فیزیکی محسوب گردند. بنابر این به منظور حل مشکلات حاشیه نشینان و کاهش تأثیرات این پدیده شوم که بدنبال خود ناهنجاریهای اجتماعی و بزهکاری را برای شهرها به ارمغان می‌آورد موارد زیر پیشنهاد می‌گردد:

۱- تقویت عمران روستایی به منظور جلوگیری از مهاجرت روستائیان به شهرهای بزرگ و سکونت آنها در حاشیه شهرها

۲- افزایش مهارت‌های فنی و حرفه‌ای روستائیان

۳- تأسیس مراکز کوچک صنعتی در مناطق روستایی به منظور ایجاد اشتغال سازنده در جهت جذب نیروی فعال در سطح روستاها

۴- ایجاد مسکن ارزان قیمت توسط نهادهای دولتی در جهت انتقال حاشیه نشینان

۵- اختصاص امکانات و خدمات مورد نیاز مناطق شهری به مناطق حاشیه نشین

۶- جلب مشارکت ساکنین در جهت مدیریت مردمی این مناطق از طریق تشکیل شوراها و انجمن‌های محلی

منابع و مأخذ

- ۱- برک پور، اسدی (۱۳۸۸): اسکان غیررسمی و امنیت تصرف زمین، آذرخش.
- ۲- بیگدلی، د (۱۳۸۳): ساماندهی اسکان غیررسمی، نمونه موردی: مطالعه کوی فاطمیه شهر زنجان، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه زنجان.
- ۳- پیران، پ (۱۳۶۸): توسعه برون زا، مورد ایران، اطلاعات سیاسی، شماره ۵.
- ۴- حبیبی، م (۱۳۸۰): کانون زیستی خود انگیخته، پدیده ای نوظهور در مناطق کلان شهری، ماهنامه شهرداریها.
- ۵- جواهری پور، م (۱۳۷۳): ساخت و ساز مسکن و تفکیک غیررسمی در کشورهای جهان سوم، نشریه آبادی، سال چهارم، شماره ۱۵.
- ۶- خزائی، ز (۱۳۹۰): اسکان غیررسمی و ضرورت اعمال برنامه ریزی و مدیریت در کلانشهرها، سومین همایش ملی فضای جغرافیایی، رویکرد آمایشی و مدیریت محیط.
- ۷- داداش پور، ه و علیزاده (۱۳۹۰): اسکان غیررسمی و امنیت تصرف زمین، آذرخش.
- ۸- دفتر اجرایی بافت فرسوده شهر اهواز (۱۳۸۵): مطالعات توانمندسازی و ساماندهی سکونتگاههای غیررسمی شهر اهواز.
- ۹- زاهدانی، س (۱۳۶۳): حاشیه نشینی، دانشگاه شیراز.
- ۱۰- شکویی، ح و کاظمی (۱۳۸۴): مبانی جغرافیای شهری، پیام نور.
- ۱۱- شکویی، ح (۱۳۸۵): دیدگاههای نو در جغرافیای شهری، سمت.
- ۱۲- شیخی، م (۱۳۸۰): جامعه شناسی شهری، شرکت سهامی انتشار.
- ۱۳- شیخی، م (۱۳۸۱): تبیین فرآیند شکل گیری و دگرگونی سکونتگاههای غیررسمی، پایان نامه دکتری، دانشکده هنرهای زیبا، گروه شهرسازی، دانشگاه تهران.
- ۱۴- صرافی، م (۱۳۸۱): اسکان غیررسمی، نشریه هفت شهر، سال سوم، شماره ۸.
- ۱۵- قرخلو، م و شریفی (۱۳۸۲): پیدایش تکامل فیزیکی و وضعیت اجتماعی-اقتصادی حاشیه نشینی، مطالعه موردی: محله عین ۲ اهواز، دانشگاه تهران.
- ۱۶- مسکن و شهرسازی استان خوزستان (۱۳۸۴): گزارشهای اسکان غیررسمی.
- ۱۷- موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران (۱۳۵۰): حاشیه نشینان شهری.
- ۱۸- هاشمی، م (۱۳۸۰): فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۵.
- ۱۹- هادیزاده، م (۱۳۸۲): حاشیه نشینی و راهکارهای ساماندهی آن در جهان، شهرداری مشهد.
- ۲۰- نیرومند، م و کازرونی (۱۳۷۳): حاشیه نشینان اهواز، دانشگاه تهران.

21-www.googleearth.com

22-Un-habitat,(2003):”The challenge slums”, www.unhabitat.org

Archive of SID